



رابطه دستور و علوم معارف زبانی با زبان آموزی

(۲)

دو- نقش دستور و علوم زبانی در آموزش زبان نگارش معاصر- دستور و علوم و معارف زبانی در این مورد هم نقش اساسی ندارد ولی از چند لحاظ مفید است: نخست- برای کاربرد صحیح زبان. دوم- کمک به معلم در تدریس فارسی. سوم- در واژه‌سازی. چهارم- در رواج صورتهای فصیح و شیوای زبان.

نخست- نقش دستور زبان در کاربرد صحیح زبان رسمی معاصر- کاربرد صحیح زبان نوشتار و رسمی بیشتر از راه زیاد خواندن و زیاد نوشتن ممکن می‌گردد و دستور علوم زبانی در این مورد به عنوان نیروی کمکی این فایده‌ها را دارند.

۱- کتاب دستور و زبان‌شناسی اگر فصیح نوشته شده باشد مانند هر کتاب دیگری موجب تمرین و پیشرفت زبان آموزیست.

۲- قواعد و تمرینهای کتاب دستور وسیله ایست برای بهتر آموختن زبان.

۳- مسائل پیچیده و مشکوک و ناشناخته زبان نگارش را حل میکند. زبان نگارش و نوشتار از طرفی بسیار وسیع و پیچیده است و فرا گرفتن آن مستلزم مطالعه و تمرین فراوانست و از طرف دیگر مردم مجال زیادی برای مطالعه همه مواد آن را ندارند در نتیجه عمدتاً

* آقای دکتر خسرو فرشیدورد استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از صاحب نظران و شاعران نامدار معاصر.

قواعد آن از راه مطالعه و تمرین آموخته نمی‌شود و زبان آموز هر قدر هم تمرین کند و کتاب بخواند و بنویسد باز بصورت‌های دستوری ناآشنائی برمی‌خورد که برای حل آنها ناچار است از دستور و زبان‌شناسی مدد گیرد مثلا نویسنده‌ای می‌خواهد به آخر «لیبی» یا «اتیوپی» یا «اندونزی»، «ی» نسبت الحاق کند اومی بیند که طبق قاعده باید بگوید لیبی و اتیوپی و اندونزی ، اما این تلفظ ثقیل است و سپس مشاهده می‌کند که رادیو می‌گوید لیبیائی ، اندونزیائی و اتیوپیائی بنابراین به این فکر می‌افتد که کدام صورت صحیحتر و بهتر است. برای کشف حقیقت ناگزیر است بمعلم دستور زبان و یا بکتابهای دستور مراجعه کند و یا اگر کسی نداند که طرز نوشتن «ی» وحدتی که به «ی» مصدری می‌چسبد چگونه است و بخواهد قاعده آنرا بیاموزد و بخواهد بداند که مثلا بزرگی را چطور باید بنویسد؟ بصورت بزرگی ئی یا بزرگی ای یا بزرگی یی و یا به شکلی که دیدیم ؟ و یا اگر فارسی آموزی بخواهد بیاموزد که «به» حرف اضافه یا «می» را باید بکلمه بعد چسباند یا باید آنها را جدا بنویسد باز ناچار است به کتاب قواعد زبان مراجعه کند . نظیر اینگونه موارد یعنی موارد مشکوک و پیچیده در زبان مادری فراوانست . برخلاف بعضی از قواعد دستوری که پیچیده نیست نیازی به آموختن دستور ندارد مثلا همه فارسی‌زبانان میدانند که «آن» و «این» پیش از موصوف می‌آیند نه بعد از آن یعنی بصورت «آن کتاب» و «این کتاب» می‌آیند نه بشکل «کتاب آن» و «کتاب این» و یاد دادن چنین قاعده‌ای به اهل زبان زائد و در حکم توضیح واضح است .

دوم - رواج صورت‌های ادبی و فصیح زبان - دیگر از فواید دستور و علوم زبانی در زبان آه‌وزی که به فصاحت و شیوانویسی مردمست یعنی پیشنهاد و تجویز آن صورتی از زبانست که زیباتر و ادبی‌تر و فصیح‌تر است و این مهمترین فایده دستور از زمانهای قدیم تا امروز بوده است، بیشک اگر دو صورت و دو گونه از زبان از لحاظ رسائی و پیام‌رسانی دارای شرایط مساوی باشند و اگر بکار بردن يك صورت بجای صورت دیگر به رسائی سخن خللی وارد نسازد البته بهتر است صورت ادبی‌تر و زیباتر را استعمال کنیم مثلا وقتی تلگرافات و باگرافها و پیشنهادها و پیشنهادات از لحاظ معنائی يك ارزش را دارند و هر دو نیز صحیحند بهتر است صورت تلگرافها و پیشنهادها را بکاربریم زیرا ادیبان آن را فصیح‌تر و مناسبتر میدانند . بنابراین برخلاف آنچه نیمه زبان‌شناسان می‌گویند دستور علوم زبانی باید گاهی هم جنبه تجویزی داشته باشد و در رهبری زبان بکار روند منتها تجویز صورت‌های فصیح و زیبا و راجح زبان نه تجویز اشکال منسوخ و متروک آن ، زیرا تجویز چنین صورت‌هایی از زبان و راجح فصاحت بهیچوجه برخلاف اصول زبان‌شناسی نیست، بلکه این کار خود نوعی در رهبری زبان و روشی فصاحت و زیبایی باید صاحب ذوق بود و طبع و روشی معتدل داشت

و در این امر بهیچوجه نباید دستخوش جمود و کهن پرستی گردید .

یادآوری - برای فارسی زبانان «ات» خوش آهنگ تر از «ها» است و شاید یکی از عوامل رواج آن نیز همین امر باشد. شاید ترجیح «ات» بر «ها» در بعضی از واردیه این سبب باشد که تلفظ «ه» برای ایرانیان ثقیل است و بهمین علت نیز «ها» در زبان گفتار تبدیل به «را» میشود و در نتیجه مردم میگویند: «پسرا» ، «دختر» به جای «پسر» و «دخترها» معذرا چون ادبا و اهل قلم تلگرافها و پیشنهادها را ادبی تر از تلگرافات و پیشنهادات می دانند و حتی صورتهای دوم را غلط می شمارند بهتر است صورتهای نخست را بکار برد .

سوم - کمک دستور و علوم زمانی به معلم در تدریس زبان مادری - معلم هنگام تعلیم زبان مادری برای تحلیل و معنی کردن جمله های مشکل قرائت و برای تسبیح انشاء و آموزش املاء و تلفظ ناچار است از دستور و علوم زمانی و اصطلاحات، آنها یاری جوید از اصطلاحاتی مانند فاعل ، مفعول ، فعل ، پسوند ، پیشوند ، معنی حقیقی ، معنی مجازی ، صامت ، مصوت ، هجا و بدون این اطلاعات و اصطلاحات تحلیل زبان در کلاس درس ممکن نیست . . مثلاً تدوین و تعلیم قواعد املاء بدون اصطلاحات و اطلاعات دستوری عملی نیست زیرا املاء بیش از هر چیز با دستور سروکار دارد بخصوص باباب واجشناسی و مبحث حروف و واجهای آن زیرا خط و حرف نشانه کتبی اصوات و ملفوظات زبانست و ناچار قواعد خط باید با قواعد اصوات زبان ارتباط و همبستگی داشته باشد . باری بحث درباره املاء بدون آگاهی از صامتها و مصوتها و هجاها و واجها ممکن نیست ، بنابراین در واقع املاء نیز شعبه ایست از دستور و مبحث واجشناسی آن و درس املاء بیش از انشاء با دستور مربوطست .

گفتیم املاء مهمترین درس برای درست نویسی است و دیدیم که این فن نیز تابع دستور و مبحث واجشناسی آنست از این رودستور در اینجا برای ما دو فایده دارد یکی برای تنظیم قواعد املاء که فایده آن مستقیم است دیگر برای درست نویسی که نتیجه آن غیر مستقیم است و از راه املاء صورت میگیرد .

و همچنین یکی از فوائد دستور زبان و معارف و علوم زبانی برای تعلیم زبان کمک این معارفست به معنی کردن لغات و به فهم عبارات و قسمتهائی که برای این منظور بیشتر مفید است مبحث مجاز و حقیقت و باب صرف است . زیرا قواعد صرف به فهم معنی لغاتی که محصل تازه با آن بر می خورد کمک میکند مثلاً وقتی اولین بار کلمه نوشتار یا زبانه یا هویه را می بیند از راه تجزیه دستوری این لغات به عناصر سازنده آن پی میبرد و درمی یابد که «ار» و «ه» در این کلمات چه معانی دارند و از این راه میتواند معنی کلمات یاد شده را زودتر و آسانتر فرا گیرد از این رو آموختن قواعد صرف بخصوص یاد گرفتن معانی مختلف

پیشوندها و پیشوندهای ترکیبی و افعال و حروف اضافه تنها برای تسلط بر ترجمه و امانت سازی بسیار سودمند است بلکه موجب میشود که شاگردان لغات تازه را هم زودتر معجز کنند و آنها را سریعتر فراگیرند.

چهارم - آموختن واژه سازی به شاگرد - درباره اهمیت واژه سازی و ترجمه برای زبان فارسی پس از این سخن خواهیم گفت در اینجا تنها به این نکته اشاره می کنیم که معلم دستور در درس صرف میتواند شاگردان را برای این کار آماده سازد و آنها را به تمرین در این زمینه وادارد.

سه - آموزش زبان قدیم مادری - آموزش زبان قدیم مادری مانند فارسی دری کهن به دستور آن زبان نیاز بسیار دارد زیرا زبان قدیم تاحدی در حکم زبان بیگانه است و زبان بیگانه را هم بدون دستور نمی توان فرا گرفت از این رو فارسی دری قدیم به دستور بیشتر نیاز دارد تا فارسی امروز مثلاً برای فهم متون قدیم لازمست که ما معانی متعدد را، به از، چون، اگر، بدانیم و هم چنین لازمست که نقش دستوری «ی» شرطی و تمنائی و حروف اضافه «بسی» مانند، به سر برو به شهر اندر و صیغه هائی مثل رفتمانی و رفتیمی را فرا بگیریم در غیر این صورت از فهم شعر و نثر قدیم عاجز خواهیم ماند.

البته برای تعلیم زبان قدیم باید دستور توصیفی همان زبانها را نوشت و تعلیم داد و گرنه دستور معاصر در این امر فایده چندانی ندارد. از مباحث مفید دستور که بکار تعلیم زبانهای قدیم می آید، مقولات ترکیب و اشتقاق است. بنابراین تعلیم معانی مختلف پسوندها و پیشوندهای قدیم برای این منظور بسیار سودمند است. زیرا در آن زبان شماره پسوندها و پیشوندها بمراتب بیش از امروز بوده است و این عناصر در زبان قدیم معانی متعدد و فعالیت بیشتری داشته اند که آموزش آنها نیاز به آگاهی از صرف و دستور دارد. بسیاری آموختن معانی مختلف پسوندها و پیشوندهای قدیم و تجزیه لغات به عناصر سازنده آن کمک بسیاری به آموزش فارسی آن دوره می کند و فی المثل دانستن معنی «ی» در کلماتی مانند «آموختنی» و «خوردنی» و فایده وقوف بر معنی «دش» در واژه هائی مانند دشنام و دشمن بر کسی پوشیده نیست.

ب- علوم زبانی و آموزش زبانی بیگانه و ترجمه - هر کسی مقدار زیادی از قواعد زبان مادری خود را در نتیجه تمرین و بر اثر قرار داشتن در محیط زبان می آموزد و بنابراین برای آموزش آن آنقدرها نیازی به آموختن جداگانه دستور و قواعد زبان ندارد اما برای زبان خارجی چنین نیست و چون زبان آموز تسلط کافی بر زبان بیگانه ای که مشغول آموختن آنست ندارد و در نتیجه علاوه بر تمرین یعنی خواندن و نوشتن و سخن گفتن بسیار باید دستور آن زبان را هم بیاموزد. مهمترین مباحث دستور برای دانشجویان زبان خارجی

این مباحث است: فعل، واجشناسی، حرف اضافه، حروف ربط، ضمیر و ساختمان جمله. و دانشجو بدون خواندن دستوری که با تمرین توأم باشد استعمال صحیح آنها را نخواهد آموخت و از آنجا که یکی از مهمترین قسمتهای زبان بیگانه همین مباحث هستند بدون فرا گرفتن آن درست گفتن و نوشتن و خواندن زبان خارجی غیرممکنست درحالی که آموزش جداگانه این موضوعات برای زبان مادری چندان مفید نیست زیرا زبان آموز بیشتر آنها را خود در ضمن عمل یعنی ضمن سخن گفتن و خواندن و نوشتن فرا گرفته است باین سبب هر چه ما با زبانی بیشتر آشنا باشیم و در آن تمرین بیشتری داشته باشیم از دستور آن بی نیازتریم و هر چه با آن کمتر سروکار داشته باشیم (مانند زبانهای خارجی و زبان قدیم) بدستور آن بیشتر نیازمندیم بنابراین اگر بخواهیم فارسی را به عنوان زبان خارجی به بیگانگان تدریس کنیم دستور فارسی برای این کار بسیار لازم خواهد بود و شك نیست که شیوه تعلیم دستور فارسی به خارجیان و مواد برنامه آن با آنچه و آنطور که به اهل زبان درس میدهم تناوت فراوان خواهد داشت. در تعلیم دستور برای فارسی زبان باید به جزئیات و استثناءها نیز پرداخت ولی در آموزش دستور بخارجیان فرصت چنین کاری نیست.

برای آموختن زبان بیگانه نه تنها فرا گرفتن دستور آن زبان به ما کمک می کند بلکه آگاهی از دستور زبان مادری یا دستور زبان دیگر نیز به این امر یاری میدهد زیرا تسلط بر دستور یک زبان فرا گرفتن دستور زبان دیگر را هم آسان می کند چه وقتی ماه عینی شناس و وجه و فعل و صفت و قید را در دستور فارسی بدانیم فرا گرفتن این معانی در دستور انگلیسی و فرانسه و عربی نیز آسانتر خواهد بود بخصوص که اولاً دوزبان از یک خانواده باشند ثانیاً آنکه دستور هر دو زبان طبق یک اصل و روش نوشته شده باشد و اصطلاحاتی محادل و نظیر هم داشته باشند.

گفتیم بهتر است دستور زبان بیگانه ای که در کشوری تدریس می شود با دستور زبان مادری طبق اصول واحدی نوشته شده باشد یعنی اگر این یک بر اساس ضوابط سنتی است آن یک نیز چنین باشد و اگر این دستور ساختمانی نیست آن یک نیز همینطور باشد و از آنجائی که بیشتر دستورهای تعلیمی جهان طبق روشها و اصول سنتی طبقه بندی شده است و از آنجائی که در همه اینها کلمات به ۸ یانه قسم تقسیم شده اند (اسم یا فعل، ضمیر، قید، صفت، صوت، حرف اضافه، حرف ربط) و صفات نیز به اقسامی از قبیل اشاری، مبهم، بیانی، پرسشی، عددی و غیره منقسم گردیده است تا جائی که با اصول علمی مغایرتی ندارد ما هم در نوشتن دستورهای خود به این مسائل پای بند باشیم.

بنابراین یکی از هدفهای دستور نویسی ما باید کمک به فرا گرفتن دستور زبان خارجی باشد و چون اکثر دستورهای تعلیمی خارجی سنت گراست خوب است دستورهای تعلیمی

ماه مهم سنتی باشند اما این اصول در آنها مراعات شده باشد : اولاً عیبهای دستورهای سنتی قدیمی را نداشته باشد ثانیاً از زبانشناسی جدید الهام بگیرند بدون اینکه صرفاً ساختگرایان نقش گرایا زایشی باشند و بی آنکه در گرایش بسوی زبانشناسی راه افراط پیموده شود .

از طرفی چون زبان عربی و دستور عربی راهم در مدارس خود میخوانیم خوبست تا جائی که ممکنست و تا جائی که تغییر اصطلاح ضرورت ندارد همان اصطلاحات دستور عربی را بکار بریم مانند اسم ، فعل ، مسندالیه . مسند ، فعل معلوم ، فعل مجهول ، فعل لازم فعل متعدی نه نهاد ، گزاره ، فعل گذرا فعل ناگذر (به جای لازم و متعدی) بنابراین تغییر غیر لازم اصطلاحات که بعضی از دستور نویسندگان آن را نشانه نوآوری و تحقیق تازه می دانند بسیار مضرات و عیب آشفتهگی آموزش دستور زبان دارد و تغییر اصطلاحاتی ، مانند فعل و مسندالیه به نهاد نه تنها امر آموزش دستور زبان مادری را مختل می کند بلکه آموزش دستور عربی را که سخت مورد نیاز ماست دشوار می سازد .

البته مراد از هماهنگ کردن مقولات دستوری زبان فارسی با عربی و انگلیسی و فرانسه بروی کور کورانه از آن دستورهائست چه بیگمان مسائل بسیاری در آن زبانها وجود دارد که در فارسی نیست مانند حرف تعریف ، اعراب ، منصرف و غیر منصرف و کلمات معرب و مبنی ، کلمات تغییر ناپذیر (در فارسی همه کلمات مبنی و تغییر ناپذیرند) و بسیاری دیگر و شك نیست که بکار بردن اصطلاحات مربوط به این مسائل و تراشیدن معادللهائی برای آنها در فارسی اشتباه بزرگ است . البته تذکر این مساله که زبان فارسی از لحاظهائی که ذکر شد با عربی و انگلیسی و فرانسه تفاوت دارد مفید است و کار زبان آموزی و ترجمه را آسان می نماید و بی بردن به این تفاوتها نیز مستلزم نوشتن دستور تطبیقی فارسی با انگلیسی و عربی و فرانسه است . همچنین مستلزم معادل کردن و هماهنگ ساختن مقولات و طبقه بندیها و اصطلاحات آن دو زبانست و چنین کاری هم سبب بهتریاد گرفتن دستور زبان مادریست و هم موجب تقویت دستور زبان خارجیست که خود نقش عظیمی در آموختن آن زبان دارد .

مشورت

- | | |
|-----------------------------|-------------------------------|
| مشورت ادراک و هشیاری دهد . | مشورت هر عقل را یاری دهد . |
| رأی با رأی دیگر اقسوا شود . | نور افزون گشت ، ره پیدا شود . |
- مولانا محمد بلخی - قرن هفتم هجری